

پلورالیزم دینی

ویژہ میانسال

ارائہ محتوا جهت استفادہ

مربیان، ائمہ جماعت و والدین محترم

www.SalehinZn.ir



فہرست

۳	مقدمہ
۴	انواع پلورالیسم
۴	پلورالیسم اجتماعی - سیاسی
۵	پلورالیسم فرهنگی
۵	پلورالیسم اخلاقی
۶	پلورالیسم معرفتی
۷	پلورالیسم دینی
۷	تعریف پلورالیسم دینی
۹	تاریفہی پلورالیسم دینی
۱۰	اسلام و ردّ پلورالیسم دینی
۱۳	پیامدہای منفی پلورالیسم دینی
۱۵	فائده
۱۶	پاورقی
۱۸	منابع و موافذہ



مقدمه

مسئله‌ی پلورالیسم دینی، پرسشی معرفت‌شناسانه و کلامی در زمینه‌ی تنوع ادیان دارد؛ نه پرسشی اخلاقی و جامعه‌شناسانه، پرسش این نیست که ما در برابر مؤمنان به سایر ادیان، چه رفتار و سلوکی باید داشته باشیم. آیا هنجارهای اخلاقی در دین خود را باید در برابر آن‌ها نیز سریان دهیم، مثلاً به آن‌ها احترام بگذاریم؟ به همین دلیل بحث تسامح و تساهل از مسئله‌ی پلورالیسم جداست. گرچه تسامح و تساهل در حیات اجتماعی و رفتارهای فردی از پلورالیسم استنتاج می‌شود ولی از انحصار‌گرایی یا شمول‌گرایی نمی‌توان بد رفتاری با سایر متدینان را نتیجه گرفت.

بحث کثرت‌گرایی دینی غیر از بحث وحدت و کثرت بین حکیمان، متکلمان و عارفان است فیلسوفان یونان باستان عموماً هم چون طالس، آنکسیمندر، آنکسیمنس به کثرت اعتقاد داشتند؛ اما کثرتی که به وحدت برگشت داشت. این فیلسوفان در نوع وحدت که آب است یا خاک یا هوا و یا امری دیگر، اختلاف داشتند؛ در مقابل، پاره‌ای از فیلسوفان مانند دمکریتوس منکر وحدت و معتقد به کثرت شدند و به اجزای لایتجزی و جواهر فرد و اتم‌های تجزیه‌ناپذیر حکم کردند.

بحث وحدت و کثرت در میان فیلسوفان و عارفان اسلامی نیز مطرح بوده است. عرفا به وحدت وجود و موجود و وحدت شخصی هستی اعتقاد داشتند و گزاره‌ی "الوجود واحد لا شریک له" را شعار خود ساختند؛ البته این طایفه منکر کثرت نبودند و عالم تجلیات و مظاهر را عالم کثرت می‌خواندند.

مشایبان به کثرت وجود و موجود، محقق دوانی به وحدت وجود و کثرت موجود، و صدرالمتالهین به وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت فتوا دادند.

با این توضیح روشن می‌شود که بحث وحدت و کثرت در فلسفه و عرفان و کلام قدیم، به هستی‌تعلق داشته ولی بحث پلورالیسم دینی به کثرت ادیان ارتباط دارد و از حقانیت آن‌ها سخن می‌گوید.

انواع پلورالیسم

قبل از ورود به بحث پلورالیسم دینی لازم است انواع مختلف کثرت گرایی تبیین شود: واژه پلورالیسم برگرفته از واژه لاتین Pluralis و به مفهوم «گرایش به کثرت» است. در آغاز، این واژه در عرصه سنتی کلیسایی مطرح شد؛ شخصی را که دارای چند منصب گوناگون در کلیسا بود پلورالیست می نامیدند. پس از آن این واژه، که خود، مفهوم پذیرش و اصالت دهی به تعدّد و کثرت را دارد، به ترتیب در عرصه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، معرفتی، دینی به کار آمد. به همین جهت پلورالیسم به حسب مورد نظر به انواع پلورالیسم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، معرفتی و دینی قابل تقسیم است:

پلورالیسم اجتماعی - سیاسی:

پلورالیسم در این عرصه عبارت است از پذیرش کثرت و تنوّع در حوزه نهادهای مدنی، احزاب، جمعیتها، و عقاید ناظر به مصالح اجتماعی شناخت ریشه فکری پلورالیسم اجتماعی از این جهت حایز اهمیت است که شکل گیری سایر ساختهای پلورالیسم را می توان در چگونگی شکل گیری پلورالیسم اجتماعی ملاحظه کرد. البته پس از فلسفی شدن و تئوریزه شدن پلورالیسم، عمدتاً پلورالیسم معرفتی به مثابه بنیان تئوریک سایر انواع درآمد.

عوامل مختلفی در پی ریزی پلورالیسم اجتماعی مؤثر بوده است. عواملی چون زیانهای ناشی از وحدت گرایی و تمرکز در قدرت و استبداد دینی و دولتی، خصوصاً در قرون وسطا؛ به ستوه آمدن جوامع غربی از جنگ منازعات بی پایان بر سر عقاید و ایدئولوژی های جور و اجور؛ رشد ابزار و شبکه های ارتباطی؛ و ... این عوامل و عواملی از این دست موجب شد تا جوامع، میل و گرایش بی شائبه ای نسبت به پلورالیسم و تکثر، توزیع در قدرت، تحزب، و تشکّل جمعیتها و اتحادیه ها و سندیکاها پیدا کنند؛ و آن را حتی قبل از تئوریزه شدن، به عنوان یک «راهکار» و راه چاره برگزینند. نهایتاً در عصر روشنگری پذیرش فردگرایی و حقوق طبیعی و مواجهه انسانها با تکثر از طریق رسانه های جمعی، موجب -

رشد و بالندگی تفکر پلورالیسم اجتماعی شد. این تفکر جوامع را به تکثر و چندگانگی در قالب تشکیل احزاب و گروه های مدنی و مصاف دمکراتیک تشویق می کند؛ و برای این مرام اجتماعی _ سیاسی حقانیت قائل است. از شرایط لازم برای چنین تفکری، تساهل و تسامح و تحمل آرا و رفتارهای اجتماعی و سیاسی دیگران، و رعایت حقوق نهادهای جامعه مدنی در برابر دولت است.

پلورالیسم فرهنگی:

در این عرصه تعدد و تکثر فرهنگ ها، بویژه در بخشی از فرهنگ که به صورت آداب و رسوم اجتماعی خود را می نماید تمایز خود را با فرهنگ های آشکار می کند، مورد پذیرش و دارای جایگاه رسمی است. در واقع آگاهی ملل مختلف از سلوک همدیگر، در پرتو رشد اطلاعات و رسانه ها و پی بردن به نافروکاستنی بودن آن ها به مدل واحد، موجب شد تا این تکثر و گوناگونی بزودی توسط جامع شناسان و انسان شناسان، تئوریزه و به رسمیت شناخته شود. طبق این نظریات، رفتارهای فرهنگی هر قوم راهکارها و راهبردهایی هستند که بسته به شرایط جغرافیایی و زیست محیطی و نژادی، و نحوه ارتزاق آن قوم و ...، در حوزه عقل جمعی شکل گرفته است و در هر حال باید به آن احترام گذاشت و تنوع آن را پذیرفت. در واقع پلورالیسم فرهنگی، تبیینی از چرایی این تنوع های ادغام ناپذیر است.

پلورالیسم اخلاقی:

ساحت اخلاقی، یکی دیگر از ساحت های اندیشه کثرت گرایی است؛ که از نوعی نسبی انگاری ارزشی و نفی ضوابط عام و ثابت، ارتزاق می کند؛ و نه فقط به پذیرش تکثر در مرام های اخلاقی در مختصات جغرافیایی صحه می گذارد، بلکه در پرتو گذر زمان نیز -

می‌پذیرد که ارزش‌های اخلاقی رنگ و شکل عوض کنند و کثرت طولی و تنوع تطویری داشته باشند.

البته در هر یک از حوزه‌های پلورالیسم ممکن است کسانی به صورت رقیق و ضعیف و کسانی به صورت قوی و افراطی کثرت گرا باشند. شکل رقیق پلورالیسم اخلاقی صرفاً توصیه می‌کند که جوامع با ارزش‌های اخلاقی گوناگون در کنار هم با مسالمت و صلح زندگی کنند، و هر یک ضمن باورداشت ارزش‌های خود، سلوک دیگری را تحمل کنند، و این کثرت را بپذیرند و در عمل متعرض هم نشوند. در واقع این پلورالیسم رقیق با مدارا (تلرانس) تفاوتی ندارد. البته پلورالیسم عمدتاً گام را از این فراتر می‌نهد؛ و اصول باورهای اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی را از جزمیت ساقط می‌کند و در ورطه تشکیک و نسبیّت می‌اندازد. مثلاً در پلورالیسم اخلاقی اساساً ارزش اخلاقی، نسبی تلقی می‌شود؛ و باورداشت‌های اخلاقی آن چنان جدّی تلقی نمی‌شوند، و «مدارای روشی»، یا «مدارای حق به جانب» (مدارایی که شخص در عین اعتقاد به حقانیت عقیده خود، مدارا را به عنوان یک روش اتخاذ می‌کند) به سمت «مدارای طبیعت‌گرایانه» و سودگرایانه سوق داده می‌شود. اما باید دانست که معمولاً حیات انسان نمی‌تواند از همه امور جدّی، خالی باشد، به همین خاطر این پلورالیسم، عملاً به جدّیت در سودانگاری و عدم اغماض در منافع مادی منجر می‌شود.

پلورالیسم معرفتی:

نوع دیگر پلورالیسم و مهمترین آن، پلورالیسم معرفتی است که با تقریرها و رویکردها و نیز با مبانی گوناگونی عرضه شده است: از انکار اساس حقیقت گرفته، تا غرق بودن جهازهای ادراکی در لایه‌های تودرتوی حقیقت؛ نقصان دایمی هر نوع شناخت و مواجهه افراد با ضلعی از اضلاع حقیقت تا تفکیک بود از نمود (نومن از فنومن)، و تا دخالت پیش زمینه‌ها در ابعاد فهم پلورالیسم معرفتی بسته به شکل ضعیف یا افراطی آن به گونه‌ای

در بردارنده نوعی از شگاکیت و نسبی انگاریدر شناخت است .
 پلورالیسم معرفتی منتقدان زیادی دارد. بعضی از منتقدان می‌گویند، اگر چه همواره شناخت انسان محدودیت هایی دارد، اما هرگز این بدان معنا نیست که بتوانیم در صحت و مطابقت همه گزاره ها شک کنیم زیرا اولاً، پذیرش چنین تشکیکی حتی پایه های پلورالیسم را نیز فرو می ریزد؛ و ثانیاً، اگر چه شناخت کنه پدیده ها از تمام زوایا، برای بشر قاعدتاً حاصل نمی شود، اما با همین مقدار از شناخت حاصله می توان به نسبت میان موضوع و محمول اذعان کرد. به عبارتی اگر چه در عین حال این شناخت همواره امکان بسط دارد اما نسبت میان موضوع و محمول را ضرورتاً به هم نمی ریزد. ظاهراً همه انسان ها گزاره هایی را سراغ دارند که امکان صادق نبودن آن کاملاً منتفی است؛ گزاره های ریاضی، بدیهیات عقلی، غیر بدیهیات مبتنی بر برهان، از این دست هستند.

پلورالیسم دینی:

آخرین عرصه ای که پلورالیسم در آن نیز نفوذ کرد، عرصه دین و اندیشه دینی است. در واقع پلورالیسم دینی _ همچنان که به تفصیل خواهد آمد _ یکی از پاسخ هایی است که در برابر پرسش از چرایی کثرت ادیان و پرسش های دیگری که حول این محور به وجود می آید، داده شده است. از آن جا که موضوع اصلی این گفتار، پلورالیسم در عرصه دین است. این مبحث را به شرح بیشتری، پی می گیریم.

تعریف پلورالیسم دینی

پلورال به معنای جمع و کثرت است و پلورالیسم یعنی تکثر گرایی یا گرایش به تعدد و کثرت. (۱) گرایش پلورالیستی در مقابل گرایش مونئیستی (MONOISTIE)) به معنای وحدت گرایی است. اگر پذیرفتیم کار در اختیار چند فرد یا چند گروه باشد به آن پلورالیسم



گفته می شود، ولی اگر پذیرفتیم کار در انحصار یک فرد و یا گروه باشد، آن را مونیسیم می نامند.

زادگاه این واژه، مغرب زمین است. در گذشته به هر کسی که در کلیسا مناصب متعددی داشت و یا به کسی که معتقد بود اشکالی ندارد یک فرد در کلیسا چند منصب داشته باشد، پلورالیست اطلاق می شود.

پلورالیسم در دین شامل دو بُعد است:

پلورالیسم در بُعد عملی یعنی احترام به عقیده و دین و مذهب طرف مقابل و زندگی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر.

بنابراین پلورالیست کسی است که معتقد است دو یا چند طرز تفکر متضاد - صرف نظر از حق و باطل بودن - باید در کنار هم زندگی مسالمت آمیز داشته و برای یکدیگر مزاحمت اجتماعی ایجاد نکنند.

در مقابل اگر کسی قائل به حذف دیگران و حاکمیت یک طیف و جناح باشد، ضد تكثر گرایى است، مثلاً در مورد مذهب کاتولیک، یا پروتستان برخی عقیده مندند باید یکی از دو مذهب حاکم باشد و با دیگری مبارزه کرد تا از بین برود.

پلورالیسم دینی در بعد نظری به معنا حقانیت فی الجمله همه ادیان و مذاهب است. این مطلب (حقانیت فی الجمله همه ادیان) با قالب های متفاوت مطرح می شود. گاهی می گویند: هیچ دینی باطل محض و یا حق مطلق نیست. هر دینی آموزه های صحیح و نادرست دارد. یا می گویند: حقیقت مجموعه ای از اجزا و عناصر است که هر یک از بخش های آن در یک دین پیدا می شود.

این طور نیست که یک دین کاملاً نادرست و باطل بوده و هیچ دستور و تعلیمات صحیح نداشته باشد. چنان که نداریم دینی که همه آموزه هایش صحیح باشد و هیچ آموزه نادرستی نداشته باشد. بسیاری از احکام مسیحیت و یهودیت در اسلام به گونه ای آمده است. لذا نمی توان آن ها را به طور کلی باطل شمرد.

از این جا نتیجه می گیرند که باید به همه ادیان و مذاهب به یک اندازه احترام گذاشت و معقول نیست یکی را صحیح و بقیه را باطل اعلام نمود.

تاریخچه ی پلورالیسم دینی

پلورالیسم دینی به عنوان یک نگرش کلامی در باب تعدد ادیان و مذاهب، برای اولین بار در جهان مسیحیت در دهه های اخیر توسط " جان هیک " مطرح گردید. وی کشیشی از فرقه ی پرسپتیوری در انگلستان بود و الان در آمریکا بازنشسته شده است. وی با بسیاری از غیر مسیحیان از جمله مسلمانان، هندوها و یهودیان همکاری داشت؛ این ارتباط سبب شد تا در باره ی ادیان و مذاهب گوناگون داوری کند. هیک، در نهایت، از جزمیت کلیسا در مورد غسل تعمید، نقش کلیسا در نجات افراد و سایر عقاید مسیحیت دست کشید و همه ی متدینان به ادیان مختلف را بهشتی و سعادت مند خواند. البته قبل از این، تحولی شبیه به روی کرد هیک در کلیسای کاتولیک نیز ظاهر گشت. توضیح مطلب این که کاتولیک ها در قرون وسطا بر این باور بودند که تنها افرادی که غسل تعمید کلیسایی را انجام می دهند اهل بهشت اند و حتی موسی و ابراهیم نیز اهل بهشت نیستند و در مکانی به نام "لیمپو" که فاقد هر گونه لذت و المی است جای دارند؛ آن گاه عیسی مسیح آن ها را در روز قیامت وارد بهشت می سازد. بعدها کلیسا نسبت به کیفیت اجرای غسل تعمید تغییراتی داد و صرف آب روی سر ریختن را کافی دانست.

تساهل در امور دینی از سوی کاتولیک ها به مسیحی خواندن ادیان غیر مسیحی انجامید و تصریح کردند که غیر مسیحیانی که زندگی خوب و پاکی داشته باشند مسیحی اند؛ گر چه تعالیم مسیح (علیه السلام) را نپذیرند. این نتیجه ی مفاد بیانیه ی شورای دوم کلیسای کاتولیک (۱۹۶۵ - ۱۹۶۳ م) می باشد.

جان هیک، - مؤسس پلورالیسم دینی - به این مقدار از رفاقت و قرابت میان ادیان اکتفا نکرد؛ زیرا این روی کرد، مسیحیت را ملاک و معیار مقبولیت ادیان می خواند. بر این اساس حقانیت و سعادت مندی تمام ادیان و متدینان را با عنوان پلورالیسم دینی مطرح ساخت. لازم به ذکر است که آموزه های غیر معقول عقل ستیز مسیحیان هم چون مسئله ی تثلیث، تحقیر علم و عقل، تفکیک علم و ایمان و هم چنین تحولات اندیشه ی دینی مغرب زمین هم چون تبدیل خدا شناسی وحیانی به خدا شناسی طبیعی و تحویل آن به نسبی گرایی و تسامح دینی و نیز گسترش معرفت شناسی نوین، هم چون تفکیک نومن از فنومن و ظهور الهیات اعتدالی و هرمنوتیک مدرن توسط شلایر ماکر و تأکید بر تجربه ی دینی، نقش مؤثری در طرح این روی کرد از سوی جان هیک داشته اند. علاوه بر این امور، تحقق حکومت دموکراسی لیبرال به همراه اصولی چون آزادی، اصالت دادن به آرای اکثریت مردم و عقل گرایی در پیدایش پلورالیسم مؤثر بوده است.

توضیح مطلب این که غرب در ابتدا سیستم سیاسی پادشاهی و دارای قدرت متمرکز را برگزید. از رنسانس به بعد، این سیستم سیاسی تغییر یافت و به حکومت دموکراسی تبدیل گشت. آن گاه حکومت دموکراسی نیز به شکل ها و محتواهای گوناگون ظهور کرد و در نهایت، حکومت دموکراسی لیبرال، با اصل پلورالیسم و کثرت گرایی سیاسی، مورد پذیرش قرار گرفت. سپس با اندیشه های جدید معرفت شناسی و دین شناسی خصوصاً نسبی انگاری در حوزه های دانش و ارزش پلورالیسم اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و دینی مطرح گردید و صحنه های ارزش های اخلاقی و فعالیت های اجتماعی و اعتقادات دین داری به دامن کثرت گرایی افتاد.

اسلام و ردّ پلورالیسم دینی

اسلام با پلورالیسم دینی در بُعد عمل هم موافق است و می گوید: همه انسان ها با هر دین و مسلکی که دارند، هر چند باطل و خلاف اسلام باشد تا جایی که اختلال در نظام

نکنند و توطئه ای در کار نباشد، با کمال آزادی می توانند در کنار هم زندگی کنند، مثلاً اهل کتاب (مسیحی، یهودی، زرتشتی و...) در نظام اسلامی بر اساس قرار داد تحت حمایت هستند و جان و مال و ناموسشان محترم است. کفار هم دو دسته اند: حربی و غیر حربی. آن دسته ای که با اسلام سر ستیز دارند و ایجاد مزاحمت برای مسلمانان و حکومت اسلامی می کنند، به عنوان یاغی و طاغی معرفی می شوند و باید با زور آنان را وادار به تسلیم کرد و یا از میان برداشت.

اما دسته ای که با حکومت اسلامی پیمان بسته و به کفار مُعاهد معروفند، در همسایگی مسلمانان یا حتی در کنار آنان طبق قرارداد به زندگی خود ادامه می دهند و کسی حق تعرض به آنان را ندارد حتی این مساله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به وضوح بیان شده است.

اما در بعد نظری و حقانیت تمامی ادیان فی الجمله که نظراتی را همچون: «هیچ دینی باطل محض و یا حق مطلق نیست. هر دینی آموزه های صحیح و نادرست دارد. یا می گویند: حقیقت مجموعه ای از اجزا و عناصر است که هر یک از بخش های آن در یک دین پیدا می شود» را در بر دارد موافق نیست.

حال با ذکر این مقدمه وارد جواب اصلی می شویم: بین دین و شریعت باید فرق گذاشت. دین امری ثابت و شرایع متغییرند. دین که همان اسلام به معنای عام است «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» [۵] در تمام شرایع ثابت است؛ یعنی روح تمام شرایع توحیدی همان «توحید در ساحت عقیده و عمل» است؛ اما هر شریعتی با شریعت دیگر فرق می کند و شریعت های پسین شریعت های پیشین را نسخ می کنند؛ چرا که شرایع همان دستورات جزئی و فروع متناسب با ابعاد طبیعی و مادی آدمی و خصوصیات فردی و قومی افراد به مقتضای زمان ها و مکان های گوناگون است که قابل تغییرند. [۶]

از این روست که در آیات قرآن تا آنجا که محور گفتار اصول دین و خطوط کلی فروع آن است، سخن از تصدیق انبیا نسبت به یکدیگر است «مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مَهْمِنًا عَلَيْهِ.» [۷] اما آنجا که محور گفتار، فروع جزئی دین است، سخن از تعدد، تبدیل، تغییر و نسخ است «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شَرْعَةً وَ مِنْهَا جَاءَ» [۸]

پس اگر پیامبر اسلام آخرین پیامبر الهی است، «ما كان محمد ابا احدٍ من رجالكم و لكن رسولُ الله و خاتمُ النبيين...» [۹] انت منى بمنزله هارون من موسى الا انه لا نبي من بعدى» [۱۰] طبعاً شریعتش نیز آخرین شریعت است؛ چون فقط رسول می‌تواند شریعت بیاورد و با آمدن پیامبر اسلام رسالت به اتمام رسیده است. و اگر قبول کردیم شریعت آخرین پیام‌آور الهی، آخرین شریعت است، باید همه به آن بگروند؛ چرا که با آمدن آخرین شریعت، شرایع قبلی نسخ می‌شود؛ والا اگر نسخ نشود، آمدن شریعت بعدی بی‌فایده و لغو خواهد بود؛ به عبارت دیگر، ایمان به همه‌ی پیامبران [۱۱] این است که در هر زمان تسلیم شریعت همان پیامبر باشیم که دوره اوست و قهراً لازم است در دوره ختمیه به دستورهای که از جانب خدا به وسیله‌ی آخرین پیامبر رسیده، عمل کنیم و این لازمه‌ی اسلام، یعنی تسلیم شدن به خداست و پذیرفتن رسالت‌های فرستادگان او است. [۱۲] پس نمی‌توان با وجود شریعت اسلام، شرایع قبلی را قبول کرد و به هیچ وجه پلورالیسم و کثرت گرایی ادیان به معنای حقانیت همه‌ی ادیان مورد پذیرش اسلام نیست.

گرچه پیروان ادیان آسمانی رسمیت اجتماعی دارند و در چهارچوب قوانین اسلام حق حیات و فعالیت دارن. [۱۳] اما برخورد خداوند با پیروان سایر ادیان، بحث دیگری است؛ یعنی با ثابت شدن حقانیت اسلام، خداوند با پیروان دیگر ادیان چگونه برخوردی خواهد داشت؟ غیر مسلمانان یا موحدند یا مشرک. غیر مسلمانان موحد و لو به طور ناقص می‌توانند نجات یابند؛ اما غیر مسلمانان مشرک که کافر به خدا و قیامت هستند، برای ابد راه سعادت را به روی خویش بسته‌اند.

پیامدهای منفی پلورالیسم دینی

پلورالیسم دینی به معنای «به رسمیت شناختن دین های گوناگون و اعتقاد به این که همه ی آن ها حقیقت دارند»، پی آمدهای منفی دارد که ما برخی از آنها را ذکر می کنیم:

[۱۴]

۱- اجتماع نقیضین

هواداران پلورالیسم گفته اند: «پلورالیسم (تکثر و تنوع را به رسمیت شناختن و به تباین و ناکاستنی و قیاس ناپذیری فرهنگ ها و دین ها و تجربه های آدمیان، فتوا دادن...) به شکل کنونی آن متعلق به عصر جدید است... علی ای حال با تنوعی روبه رو هستیم که به هیچ رو، قابل تحویل به امر واحد نیست و باید این نوع را به حساب آوریم و نادیده نگیریم و برای حصول و حدوث تنوع نظریه داشته باشیم... پلورالیسم مثبت، معنا و ریشه ی دیگری هم دارد و آن این که، بدیل ها و رقیب های موجود واقعاً کثیر هستند؛ یعنی تباین ذاتی دارند... اختلاف مؤمن و کبر و جهود، اختلاف حق و باطل نیست، بلکه اختلاف نظرگاه، آن هم نه نظرگاه پیروان ادیان، بلکه نظرگاه پیامبران علیهم السلام است.» [۱۵]

با توجه به این رویکرد، هیچ مرزی برای ادیان و تجربه های دینی و فهم ها و تفسیرهای به رسمیت شناخته شده، قایل نیستند؛ یعنی همه را «عین وحی حق» می پندارند و همه ی ادیان را حق می دانند. با توجه به این که ادیان با یکدیگر تقابل دارند، می پرسیم: می توان پذیرفت که طرفین نقیض، حق و صحیح باشند؟ برای نمونه، آیا اعتقاد به اقانیم سه گانه (مسیحیان) و ثنویت (زرتشتیان) و خدای یگانه (مسلمانان و یهودیان) همه حق و صحیح است؟ آشکار است که بر موضوع واحد، نمی توان محمول های متناقض را حمل کرد؛ زیرا به اجتماع نقیضین می انجامد. از این رو، وقتی می گوییم مبدأ، یگانه و واحد است، بدان معناست که دوگانه و سه گانه نیست. اگر هم بخواهیم همه ی این ادعاها را بپذیریم، اجتماع نقیضین را پذیرفته ایم که بطلان آن آشکار است.

۲- امتناع ایمان

ایمان، عقد قلبی است که بر یقین و نفی و شک استوار است. بنا بر مبانی پلورالیسم، آن چه نزد ماست «فهم و قشر» دین است، نه بطن و متن آن. فهم‌ها نیز ممکن است خطا و غلط باشند. اگر هم فهم درستی در میان باشد، به دلیل «تبیین ذاتی فهم‌ها» همه‌ی آن‌ها نمی‌توانند درست باشند. با تغییر در علم و فلسفه - که سیال هستند - پیش فرض‌های ما نیز دگرگون می‌شود. هم‌چنین فهم ما از متن صامت، جای خود را به فهم مغایر می‌دهد. البته اگر فرض کنیم که علم و فلسفه و در پی آن، فهم ما تا ابد ثابت بماند، فهم صادق، مصدق ندارد؛ زیرا فهم ما، فهم متن وحیانی و درک نفس الامر گزاره‌ها و آموزه‌های دینی نیست. در اصل، فهم ما چیزی جز پژواک انتظارات و پرسش‌ها و پیش فرض‌های ما نخواهد بود. این گونه برخورد با مسأله‌ی دین به شکاکیت می‌انجامد که با ایمان سازگاری ندارد؛ زیرا ایمان بر پایه‌ی یقین بنا می‌شود.

۳- نقش هدایت گرایانه دین

مبانی پلورالیسم با نقش هدایت‌گری دین و خداوند سازگاری ندارد؛ زیرا اگر فهم آدمیان از متون دینی متنوع و متباین است (این، یکی از مبانی پلورالیسم است) و تفسیرهای تجربه‌کنندگان تجربه‌های دینی نیز یکسره متکثر و متضاد است (مبنای دیگری از پلورالیسم)، دین و تجربه‌ی تفسیر نشده‌ای نخواهیم داشت. پس همه‌ی ادیان و تجربه‌ها، دستخوش تفسیرهای گوناگون گشته و همگی تحریف شده‌اند. [۱۶] در این صورت، دسترسی به جوهر دین و دین حق، اندیشه‌ای بیهوده است و این به معنای بسته بودن باب هدایت و بی‌مصدق شدن اسم هادی حق تعالی است. رسیدن به رستگاری نیز پنداری ساده لوحانه خواهد بود. [۱۷] در اینجا، این پرسش مطرح می‌شود که چرا خداوند پیامبران را برای هدایت مردم فرستاده است، در صورتی که خود می‌دانست ممکن است

وحي حق، ذهن آلوده شود و به «نظرها و منظرها» گرفتار گردد؟ یعنی با تأثیر پذیرفتن از شرایط قومی، ذهنی و روحی شخص پیامبران، پیش فرض های مفسران، دستخوش «قبض و بسط تئوریک» گردد و در اقیانوس تفسیرهای متباین و متناقض، فرو رود. [۱۸]

۴- جواز بدعت و تعطیلی شریعت

بر اساس مبانی پلورالیسم، «در معرفت دینی هم چون هر معرفت بشری دیگر، قول هیچ کس، حجت تعبدی برای کس دیگر نیست و هیچ فهمی، مقدس و فوق چون و چرا نیست.» [۱۹] این سخن به معنای جواز «بدعت» و ظهور پیاپی پیامبران دروغین است و بر همین اساس، شریعت ها تعطیل می شوند؛ زیرا آن چه در این جا راهزنی می کند، عنوان کافر و مؤمن است که عنوان هایی صرفاً فقهی و دنیوی هستند. نظیر این عنوان ها در همه ی شریعت ها وجود دارد و ما را از دیدن باطن امور، دور می دارد [۲۰] این عنوان ها که «تمایزهای ظاهری» است، باید از میان برداشته شود؛ زیرا «عمل کردن به این یا آن آداب، مایه ی سعادت و هدایت نیست» [۲۱]

خاتمه

در پایان، من باب نتیجه گیری سخنی از شهید گران قدر استاد مطهری رحمه الله را می آوریم که بهترین پاسخ در ردّ اندیشه های وحدت تمام ادیان و پلورالیسم دینی است: «دین حق در هر زمانی، یکی بیش نیست و بر همه کس لازم است که از آن پیروی کند. این اندیشه که اخیراً در میان برخی از مدعیان روشن فکری رایج شده است که می گویند همه ی ادیان آسمانی از لحاظ اعتبار در همه وقت یکسانند، اندیشه ی نادرستی است. درست است که پیامبران خدا همگی به سوی یک هدف و یک خدا دعوت کرده اند، ولی این سخن به این معنا نیست که در هر زمانی، چندین دین حق وجود دارد و انسان می تواند هر دینی را که می خواهد بپذیرد، بلکه معنای آن، این است که انسان باید همه

پیامبران را قبول داشته باشد و بداند که پیامبران سابق، مبشر پیامبران لاحق، خصوصاً خاتم و افضل آنان بوده اند و پیامبران لاحق، مصدق پیامبران سابق بوده اند. پس لازمه ی ایمان به همه پیامبران، این است که در هر زمانی، تسلیم شریعت همان پیامبری باشیم که دوره ی اوست و قهراً لازم است در دوره ی ختمیه به آخرین دستورهایی که از جانب خدا به وسیله ی آخرین پیامبر رسیده است، عمل کنیم. این لازم اسلام، یعنی تسلیم شدن به خدا و پذیرفتن رسالت های فرستادگان اوست. در این زمان اگر کسی بخواهد به سوی خدا راهی بجوید، باید از دستورات دین او (پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم) راهنمایی بجوید. قرآن کریم می فرماید: **وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ**؛ [۲۲]

هر کس غیر از اسلام دینی را بجوید، هرگز از او پذیرفته نشود و او در جهان آخرت از زیان کاران خواهد بود. [۲۳]

پاورقی:

۱- فرهنگ معاصر، محمدرضا باطنی و فرهنگ انگلیسی فارسی، حیم.

۲- ر: ک، مبانی معرفت دینی، محمدحسین زاده، چاپ یازدهم، صص ۱۲۱-۱۲۳

۳- مجله معرفت، ش ۲۲، ص ۱۳-۱۴

۴- عدل الهی، شهید مرتضی مطهری، چاپ دوم، ص ۲۸۹.

۵- آل عمران/ ۱۹. همانا دین پسندیده نزد خدا آئین اسلام است

۶- شریعت در آینه معرفت، جوادی آملی، ص ۱۱۸

۷- مائده/ ۴۸

۸- شریعت در آینه معرفت، همان، ص ۱۱۹.

۹- احزاب/۴۰، محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست لیکن او رسول خدا و خاتم

انبیا است

۱۰- میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۱، ص ۲۱۳

۱۱- بقره/۲۸۵

۱۲- عدل الهی، شهید مرتضی مطهری، چاپ دوم، ص ۲۹۷

۱۳- مجله نقد، ش ۴، صص ۲۶۴-۲۶۵

۱۴- صباح، بهمن و اسفند ۱۳۸۰، شماره ۱، به نقل از پایگاه حوزه

۱۵- صراطهای مستقیم، عبدالکریم سروش، صص ۲ - ۱۰

۱۶- ر: ک، صراطهای مستقیم، عبدالکریم سروش، ص ۴

۱۷- ر: ک، صراطهای مستقیم، عبدالکریم سروش، ص ۴

۱۸- تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، صص ۲۲۱ - ۴۲۱

۱۹- ر: ک، صراطهای مستقیم، عبدالکریم سروش، ص ۴

۲۰- ر: ک، صراطهای مستقیم، عبدالکریم سروش، ص ۲۱

۲۱- لوازم فلسفی - کلامی پلورالیسم دینی، کتاب نقد، ش ۴، صص ۴۰۱ - ۵۰۱

۲۲- مجله ی معرفت، مؤسسه ی امام خمینی رحمه الله، ش ۲۳

۲۳- ر: ک، عدل الهی، مرتضی مطهری، نشر صدرا، ج ۴، صص ۲۵۰ - ۲۹۰

منابع و مواخذ:

- ۱- فرهنگ واژه‌ها، زیر نظر عبدالرسول بیات.
- ۲- مبانی معرفت دینی، محمد حسین زاده، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چ ۱۱، ۱۳۸۵ش
- ۳- ماهنامه، معرفت، شماره ۳۵، ویژه نامه علوم قرآنی، مؤسسه ی امام خمینی(ره).
- ۴- پلورالیسم دینی، میرحمید موسوی، سایت باشگاه اندیشه .



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

اگر ما بیدار باشیم، غفلت و یا اشتباهی نکنیم، دشمن نمی‌تواند کاری بکند. امروز روز بیداری ذهنهاست.
امروز کشور و ملت احتیاج دارد به این که مردم، تیزبین، هوشیار، بیدار و دشمن شناس باشند؛ بفهمند دشمن چه می‌کند.



سازمان بسیج مستضعفین
معاونت تربیت و آموزش

